

۷۶

گنجینه

گزیده بیانات آیت الله عابدینی

خطبه‌های نماز جمعه
۸ بهمن ماه ۱۴۰۰



سازمان مجامع قزوین



نشریه ذکر جمعه با هدف انتشار گزیده بیانات ائمه جمعه قزوین در خطبه‌های نماز جمعه، هر هفته به صورت الکترونیکی از طریق شبکه‌های اجتماعی ستاد نماز جمعه منتشر می‌گردد. لازم به ذکر است متن بیانات ائمه محترم جمعه، با حذف و اضافات و ویرایش همراه است و سعی شده است جهت مطالعه و بهره‌جویی هرچه بهتر مخاطبین گرامی، اهم محورها ارائه گردد.

خطبه اول

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ
وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ
إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

پیروی از قرآن؛ از حقوق قرآن بر بندگان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا.
يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾

حقی که قرآن بر گردن ما دارد، این است که ما از کتاب خدا تبعیت کنیم. بسیاری از آیات کلام الله مجید ما را به تبعیت از کتاب خدا دعوت می کند:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي

۱ . ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار بگویید تا [خدا] اعمالتان را برای شما اصلاح کند و گناهتان را بر شما بیاورد. هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی تردید رستگاری بزرگی یافته است (احزاب: ۷۰ و ۷۱).



يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ
لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ
إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۗ فَالَّذِينَ آمَنُوا
بِهِ وَعَزَّوهُ وَنَصَرُوهُ وَأَتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ
أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٧٠﴾

از نوری تبعیت کنید که همراه رسول خدا نازل شده است. این نور هم قرآن و هم ائمه هدا عليهم السلام است. این آیه ما را به نوع خاصی از تبعیت از قرآن دعوت می کند و می فرماید: ای کسانی که ایمان دارید! تقوا پیشه کنید، رابطه تان را با خدا قطع نکنید، عهد و پیمانتان را با خدا نشکنید و خودتان را پای عهد و پیمان خدا نگه دارید. وقتی هم که سخن می گوئید، ((سدید)) [سخن بگوئید]. ((سدید)) از [ریشه] ((سد)) [است] که محکم [است] و [جلوی آب را نگه می دارد]. ((سدید)) [سخن بگوئید] یعنی حرفی بزنید که محکم باشد، آبرویتان را نشکند و شخصیتتان را ضایع نکند. حرف محکم و مستحکم بزنید.

۱ . همان کسانی که از این رسول و پیامبر ناخوانده درس پیروی می کنند که او را نزد خود [با همه نشانه ها و اوصافش] در تورات و انجیل نگاشته می یابند. پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می دهد، از اعمال زشت بازمی دارد، پاکیزه ها را بر آنان حلال می نماید، ناپاک ها را بر آنان حرام می کند و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره ها [ی جهل، بی خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند، او را [در برابر دشمنان] حمایت کردند و یاری اش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، فقط آنان رستگاران اند (اعراف: ۱۵۷).



نماز جمعه

هر کلمه اش و هر خطبه اش
یک درمان شفا بخشی
بر دل های مردم متدین
و مؤمن است



«قول سدید» در قرآن کریم

درباره «قول سدید» توضیحی عرض می‌کنم و ادامه مطلب را از قرآن قرائت می‌کنم. فرموده اند: «قول سدید» یعنی سخنی که در آن فساد وجود ندارد، [به وسیله آن] آبروی کسی بی جهت ریخته نمی‌شود، دروغ در این قول نیست و افراط و تفریط و زیاده‌گویی در این کلام راه پیدا نکرده است. قول صواب یعنی قول، سخن و مطلبی که بر اساس عدالت است. قول سدید یعنی قولی که نیکوست و هر که می‌شنود، می‌گوید: «احسنت! این حرف خوب است.» قول سدید یعنی قول زیبا، نیکو و آراسته به معنویت. اگر قول یا سخنی از زبان کسی صادر شود که کلمات مستهجن، رکیک و خارج از کرامت انسانی در آن باشد، قول سدید نیست. مثلاً شخصی عادت کند و حرفی بزند که سنگین و متین نیست، وزانت ندارد، سبک است و آبروی گوینده یا کسی را که درباره او صحبت می‌شود را می‌برد.

در ادامه فرموده اند: [اگر] موافق شرع باشد، قول سدید است. این همه آیه و روایت به ما گفته اند چه بگوییم و چه نگوییم. اگر گفته ما موافق شرع، دین و



آیه و روایت نباشد، قول سدید نیست. مثلاً ما غیبت می‌کنیم؛ [در حالی که] قرآن فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾

پس غیبت موافق شرع مقدس و قرآن نیست. ما دروغ می‌گوییم؛ [در حالی که] خدا می‌گوید: من دروغ‌گویان را دوست ندارم. معلوم می‌شود که [دروغ] قول سدید به حساب نمی‌آید. همین‌طور مثال‌های دیگر....

[همچنین فرموده‌اند: قول سدید سخنی است که] موافق حق باشد. همان موضوعی که مدت‌هاست [درباره آن] صحبت می‌کنیم. الان هم راجع به حق قرآن صحبت می‌کنیم. قول سدید یعنی قولی که حق باشد و باطل نباشد.

فرموده‌اند: قول سدید باید چهار ویژگی داشته

۱. ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است. [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهند] تفحص و پی‌جویی نکنید و از یکدیگر غیبت ننمایید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌تردید [از این کار] نفرت دارید. از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (حجرات: ۱۲).



باشد (این راجع به قول سدید بهتر در ذهن من و شما می ماند):

یک: قول سدید و سخن محکم و خوب، آن سخنی است که راست و صدق باشد. دروغ نباشد.

دو: قول سدید، کلام درست و سخن محکم، آن سخنی است که صواب باشد. یعنی درست باشد و غلط نباشد. [گاهی] چیزی راجع به کسی می گوئیم. بعداً می فهمیم که در فضای مجازی به این بنده خدا دروغ بسته اند. ما هم وقتی در گوشی دیدیم که چنین دروغی هست، بدون اینکه دنبال آن برویم و ببینیم واقعیت دارد یا نه، به این و آن گفتیم. این [کار] صواب نیست. خطا و غلط است. قول سدید آن است که حقیقت داشته باشد و درست و صواب باشد.

سه: قول سدید باید جدی باشد. گاهی ما از سر لهو و لعب یا هزل و شوخی حرفی می زنیم. این قول سدید حساب نمی شود. این به این معنا نیست که شوخی کردن حرام است؛ ولی باید بدانیم که در شوخی کردن هم باید حواسمان به آبروی مردم و کلام خودمان باشد و به آبروی خودمان هم فکر کنیم. پس قول سدید باید جدی باشد و لهو و لعب و هزل نباشد.



چهار: قول سدید یا کلام محکم، درست و مورد تأیید دین باید خالص باشد. گاهی ما حرفی می‌زنیم؛ [در حالی که] ممکن است منظورمان اصلاً آن حرف نباشد. کنایه می‌زنیم و جایی را با حرفمان خراب می‌کنیم. هواهای نفسانی مان را در حرفمان قاتی می‌کنیم. به یک نفر می‌رسیم و می‌گوییم: «آقا، نمی‌دانی من چقدر مخلص تو هستم!» این را زبان من می‌گوید؛ [اما] ممکن است در دلم این نباشد. من ده درصد نسبت به این آدم اخلاص دارم؛ اما آنجا [در کلام خود] به او می‌فهمانم که: «من صد درصد به تو اخلاص دارم.» یعنی حرف من نود درصد قاتی دارد و خلاف و دروغ است. این غیر از قول سدید است. باید عادت کنیم که کم و زیاد حرف نزنیم.

قول سدید در سیره رهبر انقلاب رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

والده شخص به رحمت خدا رفته بود. می‌خواستند از طرف مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ [پیام] تسلیت بنویسند که ایشان امضا کند. در [پیام] تسلیت از قول حضرت آقا نوشته بودند: من بسیار متأثر شدم و... حضرت آقا فرمودند: من این قدر در جریان نبودم که بخواهم



این قدر متأثر باشم. همان قدر که من متأثر هستم بنویسید. چرا زیادی نوشته اید؟

آدم های حکیم، کسانی که درست صحبت می کنند و به آینده و قیامت فکر می کنند، حتی در این جاها دقت می کنند که حرف زیادی نگویند، تعریف زیادی نکنند، بی جهت تکذیب نکنند، افراط و تفریط نکنند و مواظب صحبت کردن خود باشند. وقتی زبان را مدیریت کنیم و مواظب حرف هایمان باشیم، خودبه خود شخصیتمان تنظیم می شود. رادیوهای قدیمی پیچی داشت که صدا را با آن کم و زیاد می کردند. قول سدید مثل آن پیچ رادیوست که شخصیت ما را تنظیم می کند. اگر مواظب حرف زدن خود باشیم، خودبه خود اعمال ما هم درست می شود. یعنی آدمی که خلاف کار است، خلاف حرف می زند. وقتی هم که تصمیم می گیرد خلاف حرف نزند، خود به خود خلاف ها از زندگی او کنار گذاشته می شود، صداقت و اخلاص بر زندگی او حاکم می شود، مؤمن صریح اللهجه می شود، برای مردم قابل اعتماد می شود و شخصیت او محترمانه می شود. چون مردم به مرور می بینند: هرچه او می گوید واقعیت است و غیر از



واقعیت چیزی نیست. [ویژگی] برجسته حاج قاسم
سلیمانی اخلاص بود. [قرآن] فرمود:
﴿يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ...﴾

اگر سخن شما سخن سدید، محکم و حکیمانه باشد،
خدا اعمالتان را اصلاح می‌کند؛ مثل همان پیچی که
[صدا را] تنظیم می‌کند. همین که قول شما سدید
باشد، شخصیت شما قابل اعتماد و احترام می‌شود.
قول سدید روی شخصیت انسان اثر تربیتی دارد.

وقتی حرف به اینجا می‌رسد، ما می‌گوییم: خدایا!
این همه سن از ما گذشته است. تابه حال اصلاً
حواسمان نبوده است که قول سدید این همه برای
ما برکت دارد. گذشته مان را چه کنیم؟ این همه
حرف همین طوری، ناصواب و خلاف واقع گفتیم و
حرف ضد صداقت از زبان ما صادر شد. تکلیف ما چه
می‌شود؟ خدا به ما بشارت می‌دهد:

﴿وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...﴾

اگر شما از الان خودتان را اصلاح کنید و با قول سدید
زندگی کنید، اگر در گذشته هم درست نبودید، خدا
به برکت این کار و حرکت شما و تحولی که در خودتان



ایجاد می‌کنید، شما را اصلاح می‌کند. بعد فرمود:

﴿...وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾

هرکس خدا و رسول خدا را اطاعت کند و از صمیم دل با خدا و رسول خدا همراه شود، به رستگاری بزرگ دسترسی پیدا می‌کند. خیلی راحت می‌گویم که برای همه قابل فهم باشد: یعنی امیرالمؤمنینی می‌شود و خصلت امیرالمؤمنین علیه السلام را پیدا می‌کند. وقتی فرق مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام با شمشیر اشقی الاولین والآخرین شکافته شد، در پیشگاه خدا عرضه داشت: «فُرْتُ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ»^۱ به خدای کعبه! من به اوج رستگاری رسیدم. به همان جایی رسیدم که می‌خواستم برسم. خدا مرا در همان مقام و منزلتی دید که می‌خواست ببیند.

اینجا هم [خدا] می‌فرماید: قول هرکسی قول سدید باشد، خدا اعمال او را درست می‌کند، شخصیت او تنظیم می‌شود، کرامت انسانی او آشکار می‌شود و مردم به او اعتماد می‌کنند. در گذشته هم اگر قول سدید نداشته است، خدا جبران، ترمیم و درست می‌کند. هرکس از خدا و رسول خدا اطاعت کند، به رستگاری بزرگ می‌رسد.

۱ . محمد بن علی بن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، قم: علامه، بی تا، ص ۱۱۹؛ ترجمه: به پروردگار کعبه سوگند، رستگار شدم.



از خدای متعال ملتمسانه درخواست می‌کنیم:

خدایا! به مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام،
به عزت اسلام و به احترام شهدای دین، همه ما را
از قول سدید و شخصیتی قابل اعتماد، دارای کرامت
انسانی، مطیع خدا و پیغمبر و همراه دین و ارزش‌های
دینی برخوردار بفرما.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾
اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ





خطبه دوم

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى عَلِيِّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَا
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى
الرِّضَا وَعَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلَى الْحِجَّةِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ
الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَسَلَامِهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ.



دعوت به تقوا

یکدیگر را به تقوای الهی سفارش می کنیم. تقوای الهی یعنی:

◦ مواظب زبان خود باشیم و زبان خود را مدیریت کنیم که در اختیار ما باشد و در اختیار شیطان قرار نگیرد؛

◦ چشم خود را مدیریت کنیم. شیطان چشم ما را مدیریت نکند که هرچه خواست ببیند؛

◦ لقمه ای را که می خوریم مدیریت کنیم و حلال بخوریم؛

◦ دل خود را مدیریت کنیم که دلمان مرکز کینه و عداوت و حقد و حسد نشود؛

◦ دست و قلم خود را مدیریت کنیم که ظلم از ما سر نزند.

این ها یعنی تقوا. وقتی این دست مسائل در کسی جمع شود، مواظب همه چیز خود باشد و در راستای رضای خدا زندگی کند، در مسیر تقوا قرار گرفته است و آن برکاتی که خدا وعده داده است که به اهل تقوا عنایت کند، شامل حال او خواهد شد.



مناسبت های هفته

مناسبت های مهمی در این هفته داریم:

ولادت امام محمد باقر علیه السلام

یکی از مهم ترین مناسبت ها ولادت حضرت امام محمد باقر علیه السلام است. میلاد این امام بزرگوار را تبریک عرض می کنم. چقدر از مسائل و معارف دینمان را از امام باقر علیه السلام داریم. امام باقر و امام صادق علیهما السلام خیلی از میراث گران قدر معارف دینی برای ما به جای گذاشتند. به بعضی از امامان ما مهلت ندادند. آن ها را در جوانی به شهادت رساندند یا روزگار آن ها در زندان های سامرا به سر آمد. دشمن فرصت نداد که خیلی چیزها را به ما برسانند. حجم مطالب و انوار الهی که از زبان این بزرگان به ما رسیده است، خیلی بیشتر است. بعد [از این دو امام بزرگوار، از] امام کاظم و امام رضا [احادیث بیشتری مانده است].

این تبریک را با هدیه ای از کلام امام باقر علیه السلام خدمت شما برادران گرامی و خواهران محترم عرض می کنم تا همه ما این کلام را از امام باقر علیه السلام به گوش جان بشنویم؛ یعنی یادمان بماند. همین الان تصمیم





بگیریم که این [روایت] را مثلاً برای برادر، خانواده یا دوست و همکاری در اداره یا کارخانه با هم هستیم، نقل کنیم که ثواب نشر مطالب اهل بیت عليهم السلام هم به ما برسد و مبلغ مطالب و معارف ائمه عليهم السلام شویم. [این روایت] خیلی ساده است. من عربی آن را هم می گویم. شما [می توانید فقط] فارسی آن را [برای] بگویید. امام باقر عليه السلام فرمودند:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ.
فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُبْغِضُ أَهْلَ
مَعْصِيَتِهِ، فَفِيكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ. وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ
أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَيُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ، فَلَيْسَ فِيكَ
خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.^۱

در این حدیث امام راهنمایی می کند و می گوید: خودت را امتحان کن و ببین که از تو خیر می بارد یا شر. ممکن است در وجود کسی شر بجوشد. خدا از همه مؤمنین این روحیه بد را دور کند. شر برای شیطان، منافقین، کفار، ظالمین و مجرمین است. از مؤمن که نباید شر

۱ . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، به تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳، ص ۱۲۶؛ ترجمه: هرگاه خواستی بدانی که در تو خیری هست، به قلبت بنگر: اگر فرمانبران خدا را دوست و معصیت کاران را دشمن می داشت، پس در تو خیر هست و خداوند دوستت می دارد. اگر پیروان خدا را دشمن و معصیت کاران را دوست می داشت، پس در تو خیری نیست و خداوند دشمنت می دارد. زیرا انسان همراه کسی است که دوستش می دارد.





ببارد. در مؤمن باید خیر دیده شود.

فرمود: اگر تصمیم گرفتی خودت را امتحان کنی و ببینی خیری در تو هست یا نه، سری به دلت بزن و دلت را نگاه کن: اگر دیدی دلت آدم‌های مؤمن، با صداقت، امانت دار، خوب، راست گو و باخدا را خیلی می‌خواهد، هرکسی با خدا هست در دل تو قرب و منزلتی دارد و [از طرفی] دلت آدم‌های دروغ گو، دزد، بد و خائن را دوست ندارد؛ در وجود تو خیر وجود دارد و چراغ خیر در جان تو روشن شده است. مبارکت باشد. وقتی اینطور باشی، خدا هم تو را دوست می‌دارد.

اما برعکس: کسانی را که مطیع خدا هستند و برای دین خدا زحمت کشیده‌اند و می‌کشند، تو این‌ها دوست نداری. [برای مثال:] از خانم محجبه باعفت خوشت نمی‌آید و اگر طور دیگری باشد، بیشتر او را تحویل می‌گیری یا از آقای متدین خوشت نمی‌آید و اگر متدین نبود، بیشتر برای او تعظیم می‌کردی و بیشتر از او تعریف می‌کردی. از کسی که مطیع خداست خوشت نمی‌آید؛ [اما] کسی را که معصیت کار است، تحویل می‌گیری. اگر این طور باشی، تاریکی و عفونت شر در جان تو رخنه کرده است. خدا هم تو را دوست ندارد.



بعد حضرت قاعده ای را فرمودند: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.» هرکس با آن چیزی که دوست دارد محشور است. اگر با بدها دوست بودی، با بدها محشور هستی و پیش خدا هم جزء بدها حساب می شوی. اگر با خوب ها رفاقت داشتی، با خوب ها محشور می شوی. البته ما نسبت به بدها هم وظیفه داریم. وظیفه داریم به آن ها کمک، موعظه، نصیحت و دل سوزی کنیم تا آن ها هم راه خودشان را درست پیدا کنند. کسانی که خوب هستند وظیفه دارند به بدها هم کمک کنند؛ اما اینکه رفیق بدها و علیه خوب ها شوند، در پیشگاه خدا جرم حساب می شود و خدا از این ها بدش می آید. از خدا می خواهیم که ان شاء الله هم خودمان اهل خیر باشیم و هم با اهل خیر رفاقت داشته باشیم.

سالگرد رحلت آیت الله قاضی طباطبایی

مناسبت دیگر رحلت استاد بزرگ اخلاق، عرفان و معرفت، آیت الله میرزا علی قاضی طباطبایی [است]. شخصیت های بسیاری از مکتب تربیتی، معرفتی و عرفانی مرحوم قاضی طباطبایی بهره برده اند. علمای بزرگی، از جمله مرحوم علامه طباطبایی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ شاگرد





آن [مرد] بزرگ بود و هم از برکات وجودی او استفاده کرده بود. مرحوم علامه در خاطرات خود می‌فرماید: وقتی ما در نجف مستقر بودیم، چند بار قرار بود خدا اولادی به ما بدهد؛ [ولی] این بچه سقط می‌شد و برای ما نمی‌ماند. من خبر نداشتم که همسرم الان زمینه فرزندآوری دارد و فرزند در رحم او رشد می‌کند. هنوز چند ماه هنوز مانده بود این فرزند به دنیا بیاید که یک بار مرحوم قاضی طباطبایی به خانه ما آمد (گویا نسبت فامیلی هم داشتند). ایشان صحبت و دعا کرد. بعد گفت: این فرزندی که [به دنیا] می‌آید پسر است و باقی می‌ماند. اسم او را هم «عبدالباقی» گذاشتند. شاید شنیده اید که شخصیت بزرگواری به نام «عبدالباقی» فرزند علامه طباطبایی است. البته [ایشان] روحانی نیستند.

شاگردان [مرحوم قاضی طباطبایی]، این شخصیت عارف، بابصیرت و بامعنویت، هرکدام منشأ خیراتی بودند و شاگردپروری کردند. خیلی‌ها غیرمستقیم شاگردان مکتب مرحوم قاضی طباطبایی هستند. روح آن‌ها با ارواح انبیا علیهم‌السلام محشور باشد و ما هم توفیق بهره‌مندی از برکات وجودی این بزرگان را در آثار آن‌ها داشته باشیم.

سالروز بازگشت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به میهن

مناسبت مهم دیگر بازگشت حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به میهن اسلامی است. [ایشان] بعد از سالیانی تبعید در ترکیه و نجف، مدتی را در فرانسه گذراندند و ملت به شدت چشم انتظار آمدن ایشان بودند. واقعاً باورکردنی نبود که ما در شرایط ظلم آمریکا و دست نشانده او، شاه به اینجا برسیم. این برای همه مثل آرزو بود؛ اما مردم به میدان آمدند و از خودشان لیاقت نشان دادند.

بنده گاهی این طور عرض کرده ام: زمانی که امام را از میان ما بردند و در زندان تحت بازجویی [قرار دادند]، آن طور که باید و شاید، [یعنی] مثل او آخر سال ۱۳۵۶ و بیشتر سال ۱۳۵۷ قیام نکردیم. گویا وظیفه مان را انجام ندادیم و مستحق این نبودیم که امام در میان ما باشد. باید لیاقت می داشتیم. اما وقتی امام را بردند، کم کم بیدار شدیم. [پی بردیم] که چه گوهری را از دست داده ایم و قیام کردیم. عزیزانی در زندان‌ها شکنجه شدند و به شهادت رسیدند. پیر و جوان دست به دعا برداشتند که: خدایا! ما امامان را می خواهیم. در تظاهرات خیابانی خون‌ها ریخته شد.

به یاد دارم وقتی «(فاو)» فتح شده بود، بچه های



رزمنده که وارد فاو شده بودند، روی دیواری شعری نوشته بودند: «از حسن روی یوسف دست بریده سهل است، وز حسن یوسف ما سرها بریده بینی».

[اشاره می کند به] داستان خانم هایی که به جای اینکه میوه را پوست بکنند، دست هایشان را با چاقو بریدند. عزیزان بسیاری به شهادت رسیدند به خاطر اینکه امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ را شناختند. خدا وقتی در مردم ما لیاقت دید، گفت: الان وقت آن است. همه موانع برداشته شد و آرزوی ملت ما برآورده شد. امامی که غریبانه او را به تبعید فرستاده بودند، با جمعیت انبوه مردم از سراسر کشور که به تهران آمده بودند از او استقبال شد. همه عالم این استقبال را استقبالی بی نظیر در جهان شناختند. موقعی هم که امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به رحمت خدا رفت، مردم از مصلاي تهران تا بهشت زهرا بدرقه کردند. این هم تا آن تاریخ بی نظیر بود. بعداً شاگرد مکتب امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، حاج قاسم آمد و اتفاقات دیگری افتاد.

ما خدا را سپاسگزاریم. خدایا! شاید ما هنوز هم قدر نعمت تو را نمی دانیم. امیدواریم بتوانیم حمد و سپاس خدا را برای این شرایط و اوضاع به جا



بیاوریم. مبادا دشمن بدبینی القا کند. دشمن از یک طرف هرچه می تواند ما را در فشار قرار می دهد که نتوانیم کار خودمان را انجام بدهیم، نتوانیم ارز وارد کنیم، نتوانیم کالاهایمان را بفروشیم و نتوانیم نفتمان را آن طور که باید به دست مشتری برسانیم. همه شیطنتها را می کند که ما در فقر باشیم. بعد روی فقر ما هم مانور می دهد و می گوید: مسئولین شما چنین وچنان هستند. می گوییم: وقتی شما همه راهها را بسته اید، ما باید از مسئولین تشکر کنیم که در این شرایط توانستند کاری کنند که شما به مقاصدتان نرسید. ضمن اینکه مسئولین ما هم فقر و گرفتاری مردم را می دانند، گرانی را می فهمند، با حالتی که انگار شرمنده مردم هستند عذرخواهی هم می کنند و همه همت خود را هم به کار می گیرند که این موضوع حل شود. ما هم از آنها خواهش می کنیم: به حل مشکل مردم، مخصوصاً در امر معیشت، خورد و خوراک و ارزاق خیلی سرعت بدهید. هم خواهش و هم دعا می کنیم. اعتقاد داریم این مسئولین کارشان را با عقیده پیش می برند. ان شاء الله خدا به آنها برکت بدهد و برای مردم به زودی گشایشی شود.





جا دارد کلامی از امام رحمة الله عليه برای شما نقل کنم که تأثیر روحی و معنوی برای من و شما [داشته] باشد. امام رحمة الله عليه فرمودند: «انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا شد. همان انقلاب درونی آن‌ها، شناخت آن‌ها از اسلام و توجه آن‌ها به خدای تبارک و تعالی موجب شد که ... انقلاب ... پیروز شد.»^۱

انقلاب که پیدا شد، قبل از آن مردم از درون منقلب شدند و خدایی و معنوی شدند. عزیزانی که آن زمانه را به یاد دارند می‌دانند چه اتفاقات درونی‌ای در مردم ما به وجود آمد. بعد فرمودند: «پیروزی را ما باید از انقلاب درونی مردم جست‌وجو کنیم و تا این معنا حاصل نشود، انقلاب‌ها یک انقلاب‌های تحویل قدرت از او به قدرت دیگر است.»^۲

قدرتی از جایی گرفته می‌شود و دست یک نفر [داده می‌شود]. مثل کودتاهایی که در بعضی کشورها می‌شود یا مثلاً قاجار قدرت داشت؛ [بعد] رضاخان آمد و قدرت را گرفت. به این انقلاب نمی‌گویند. قلدری رفت و قلدری آمد. اما اگر درون منقلب شود،

۱. سیدروح الله موسوی خمینی رحمة الله عليه، صحیفه امام خمینی رحمة الله عليه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام رحمة الله عليه، ج ۱۲، ص ۱۹۷.
۲. همان.



انقلاب [ایجاد] می شود. اهمیت انقلاب ما این است که اشک و آه، دعا و ناله، التماس از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، رازونیا با خدا و این حالات معنوی انقلاب ما را به پیروزی رساند.

فرارسیدن ماه رجب

ما سه تا ماه داریم که [برای کشاورزی] خیلی مهم هستند. کسانی که کشاورزی می دانند، فروردین، اردیبهشت و خرداد خیلی برای آن ها مهم است. در بعضی اقلیم ها به جای فروردین، ممکن است اسفند فصل کشت و کار باشد. مثل سه ماه کشاورزی، ما سه ماه خودسازی داریم. این سه ماه عبارت است از: رجب، شعبان و رمضان. در این سه ماه، رجب و شعبان ما را برای رمضان المبارک آماده می کنند. اگر رجب را درنیابیم و شعبان را درک نکنیم، ممکن است ماه رمضان ما هم معمولی شود؛ اما اگر این دو ماه را بفهمیم، استغفار کنیم، اهل ذکر باشیم و از این همه دستورها، دعاها و مستحباتی که برای ماه رجب و شعبان آمده است، استفاده کنیم؛ آن موقع برای ماه رمضان آماده می شویم. ماه رمضان دانشگاه است. رجب و شعبان مثل مدرسه ابتدایی و





دبیرستان است. فرض کنید کسی به مدرسه ابتدایی نرفته باشد و به دبیرستان برود؛ یا به دبیرستان نرفته باشد و به دانشگاه برود. به دانشگاه می رود؛ ولی آن طور که باید نمی تواند بفهمد استاد چه می گوید. ما باید خودمان را برای دانشگاه ماه مبارک رمضان آماده کنیم و پیش نیازهای آن، یعنی رجب و شعبان را درک کنیم. از این فرصت ها ان شاءالله استفاده کنیم.

لیلة الرغائب

اولین جمعه ماه شریف رجب ((لیلة الرغائب)) است. بعضی لیلة الرغائب را شب آرزوها می گویند. اتفاقاً در اسلام آرزومندی چیز خوبی نیست. اگر قرار بود بگوید آرزوها، لیلة الآمال می گفت. ولی فرموده اند: ((لیلة الرغائب.)) رغائب [از] رغبت و مرغوب [می آید]. می گوئیم: این پارچه، این میوه یا این جنس ((مرغوب)) است. لیلة الرغائب یعنی شبی که آدم ها می گویند: خدایا! ما آن چیزهایی را که مرغوب است می خواهیم. پیش خدا چه چیزی مرغوب است؟ مرغوب ترین ها پیش خدا رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، آیات قرآن و سُور قرآنی، دعا در پیشگاه خدا و معرفت توحیدی است. پس وقتی



می‌گوییم: ما از مرغوب‌ها می‌خواهیم، [به این معنا نیست که] در خیالاتمان آرزوهایی می‌بافیم. [بلکه] می‌گوییم: خدایا! ما را پیرو رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اهل معرفت به ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و [اهل] انس و الفت با قرآن [قرار بده]. پس این‌ها را از خدای متعال درخواست می‌کنیم.

توضیحی دربارهٔ دور جدید مذاکرات

فرصت نیست بحث مذاکرات را توضیح بدهم. اجمالاً می‌گوییم: عزیزانی که برای مذاکرات می‌روند، نگاهشان فرق می‌کند. این‌ها به عنوان مسلمان معتقد به قرآن و انقلابی پای بحث مذاکرات می‌روند. اگر هم حرف از مذاکره با آمریکا است، در حقیقت مؤاخذهٔ آمریکاست، نه امتیاز دادن به آمریکا. دفع شر آمریکاست، نه فرصت ایجاد کردن برای آمریکا. ما در مذاکرات به جلب منفعت از دشمنانمان امید نداریم؛ چون خدا به صراحت فرموده است: این‌ها نمی‌گذارند و نمی‌خواهند به شما خیری برسد. ما هم قبول داریم و یقین داریم که از تشکیلات آمریکا و اروپا به ما خیر نمی‌رسد. پس ما نمی‌رویم که چیزی از آن‌ها بگیریم. می‌رویم که آن‌ها را مؤاخذه کنیم،





در فشار قرار بدهیم، بهانه‌ها را از آن‌ها سلب کنیم، حرف خودمان را از آن تریبون به مردم دنیا برسانیم و ظلم و جنایت و تعدی و تجاوز استکبار جهانی را به [آگاهی] مردم برسانیم. بحث این است. دقت کنیم که بی دلیل قضاوت نکنیم. اگر الان امام جمعه ای بگوید: این با آن فرق می‌کند، [عده ای ممکن است] بگویند: قبلاً می‌گفتید مذاکره چنین و چنان است. الان چه می‌گویید؟ [باید گفت:] خیلی فرق کرده است. الان به گونه ای است و آن موقع طور دیگری بود. به این‌ها دقت کنید. [اگر] فرصت شد، این‌ها را تحلیلی خدمت شما عرض خواهم کرد.

حمایت از مردم مظلوم و مقتدر یمن

مردم عزیز و مظلوم یمن هم مظلوم و هم در عین حال مقتدر [هستند]. امیرالمؤمنین علیه السلام مقتدر، ولی در عین حال مظلوم بود. الان مردم یمن مظلوم مقتدر هستند. اینکه کودکان، زنان و مردم آن‌ها با بمباران‌های آمریکایی، انگلیسی و عربستانی زیر آوار می‌روند، یعنی مظلوم هستند؛ اما اینکه قدرت‌های استکباری را تهدید می‌کنند، یعنی مقتدر هستند. امیدواریم خدای متعال هر روز بر اقتدار آن‌ها بیفزاید

و ان شاء الله شرایط ظلم ظالمان را از سر آن ها بردارد. ان شاء الله به یاری خدای متعال در پایان مراسم نماز جمعه راهپیمایی حمایت از مردم مظلوم یمن را هم خواهیم داشت.

سالگرد شهادت سردار حسن باقری

مطلب دیگر هم شهادت سردار اسلام، حسن باقری است. این سردار، نابغه طراحی عملیات جنگ [بود] و چقدر در پیروزی های بزرگ جبهه های جنگ مؤثر بود.

راهیابی تیم ملی فوتبال ایران به مسابقات جام جهانی

مطلب نهایی را هم خدمت برادران و خواهران عزیز عرض کنم و آن هم تبریک پیروزی [تیم ملی] فوتبال جمهوری اسلامی ایران و راهیابی جوانمردان میدان فوتبال، سربازان رهبر به جام جهانی است. ما خدمت رهبر فرزانه انقلاب عَلَيْهِ السَّلَام تبریک عرض می کنیم که فرزندان ایشان کسب پیروزی کردند. خدمت شما [هم] تبریک عرض می کنیم. از دولتمردان هم می خواهیم که فرصت ورزش و تحرک [را برای مردم فراهم کنند]. رهبر فرزانه انقلاب عَلَيْهِ السَّلَام چقدر سفارش می کنند که





تحرک بدنی داشته باشید. مخصوصاً به کسانی که سنی از آن‌ها گذشته است بیشتر سفارش فرمودند. خیلی از بیماری‌ها به خاطر بی‌تحرکی سراغ ما می‌آید. امیدواریم ان شاء الله مسئولین در عرصه فعالیت بدنی و ورزش برای آقایان و خانم‌ها زمینه‌سازی کنند که با کرامت، عزت، عفت و رعایت همه شئوناتی که به امضای حضرت زهرا و امیرالمؤمنین علیه السلام برسد، [در این عرصه فعالیت کنند]. [ان شاء الله] در عرصه ورزش هم خانم‌های ما از حضرت زهرا علیها السلام و برادران ما از امیرالمؤمنین علیه السلام ملاک و نمونه قبولی‌شان را بگیرند، نه از رسانه‌های اجانب. این طور بوده و ان شاء الله همین طور هم خواهد بود.

دعای پایانی

پروردگارا! به مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر عزت و اقتدار و عظمت اسلام و اسلامیان و رهبر فرزانه انقلاب بیفزای؛

پروردگارا! اموات و گذشتگان ما را ببخش و بیامرز؛

شهدا و امام عزیز ما با انبیا و اولیا علیهم السلام محشور بفرما؛

به مریض‌های منظور نظر شفای عاجل عنایت بفرما؛

انس و الفت با قرآن کریم و محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را هر روز در جان ما مضاعف قرار بده؛
دل های ما را نسبت به یکدیگر مهربان بفرما؛
ما را اهل قول سدید و سخن محکم و حکیمانه قرار بده؛
فرج مولا و صاحب ما را نزدیک بفرما.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ
وَالْمُسْلِمَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ
وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ
الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾
فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ ﴿٢﴾
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران